

ما می خواهیم در آزادی و در شأن انسانی زندگی کنیم

ما نمی خواهیم در انزوا در اردو گاه «هسپه» زندگی کنیم

ما بدین وسیله اعلام می کنیم که بیش از این تحمل شرایط اجباری اردوگاه پناهندگی را نداریم. ما پناهندگان اردوگاه «هسپه» از برامشه می باشیم. این اردوگاه در استان نیدرزاکسن، در بیست و چهار کیلومتری ازنا بروک و چهار کیلومتری شهر هسپه قرار دارد. قیمت بلیط یکطرفه از اینجا تا ازنا بروک 5.40 یورو می باشد. اردوگاه می تواند تا 700 پناهنده را در خود جای دهد.

محوطه ی سیم خاردار کشیده شده ای که بوسیله ی نیروی امنیتی محافظت می شود قبلا یک پادگان نظامی بوده است. در این محوطه چند ساختمان وجود دارد که در هر اتاق آن عمدتاً پنج نفر زندگی می کنند. استان نیدرزاکسن به وسیله ی این اردوگاه یک انزوای مطلق برای پناهندگان ایجاد نموده است. اداره ی امور خارجی، اداره ی تامین اجتماعی، یک درمانگاه، کودکستان، یک مدرسه که بچه های زیر دوازده سال در آن تدریس می شوند، یک سالن غذا خوری مرکزی که همگی در اردوگاه متمرکز شده اند. ما حتی یک کارت شناسایی مخصوص اردوگاه داریم که «کارت شناسایی ساکنین اردوگاه» نامیده می شود.

بیشتر ما در مدت زمانی که مراحل پناهندگیمان طی می شود، که این زمان اغلب بیش از سالها طول می کشد، باید در این اردوگاه، پشت حصارهای سیم خاردار که ما را از بقیه ی جامعه جدا می کند زندگی کنیم. ما از کشورهای مختلفی مانند: افغانستان، ساحل عاج، غنا، عراق، هند، ایران، یوگسلاوی سابق، لبنان، کامرون، کشورهای قفقاز از روسیه ی کنونی، سوریه، ترکیه... می آییم. ما همه چیز خود را در وطن خود رها کردیم با امید زندگی کردن در امنیت و آزادی و حرمت انسانی. اما هرگز فکر نمی کردیم که در چنین اردوگاهی باید زندگی کنیم. هر روز برایمان بیشتر روشن می شود که اردوگاه پناهندگی با این هدف ساخته شده است که ما را تحقیر نموده و از پای در آورد. در اردوگاه با ما مانند حیوان رفتار می شود و انسانیت ما از ما گرفته میشود. برای ما تصمیم گیری می شود، از ما سرپرستی می شود و ما ملعبه ای بیش نیستیم. ما روز به روز بیمارتر می شویم و بعضی از ما از تعادل ذهنی خود را از دست می دهند. انسانیت ما خلاصه شده است در خوردن و خوابیدن و در میان سیم خاردارهایی که توسط مامورین امنیتی نگهبانی می شود، تمام امیدها و آرزوهای ما می میرد.

ما ماهیانه 40 یورو دریافت می کنیم. بعضی از ما حتی این مبلغ کم را هم دریافت نمی کنند. بعضی از ما این امتیاز را دارند که کار ساعتی یک یورو داشته باشند. آنها در داخل و خارج از اردوگاه کار نظافت را انجام می دهند. تعدادی از ما پس از بسته شدن اردوگاه الدنبرگ برای اسباب کشی به آنجا برده شدند و بعضی هم در گورستان بعنوان گورکن کار می کنند. از یکسو به ما اجازه ی کار داده نمی شود و از سوی دیگر ما باید نیروی کارمان را ارزان بفروشیم. مامی خواهیم کار کنیم. ما نیازی به صدقه نداریم. ما می خواهیم خودمان خرج خود و خانواده مان را در بیاوریم. جوانانی که در میان ما زندگی می کنند تنها آزادی می خواهند. ما می خواهیم آزاده حرکت کنیم و مستقل و آزاد زندگی کنیم. ما نیازی به غذای سالن غذاخوری اردوگاه نداریم، جایی که برای یک تکه نان باید تحقیر شویم. اغلب ما گرسنه به بستر می رویم چون شام سالن غذاخوری کافی نیست.

در این اردوگاه ما یاد گرفته ایم که برای هر نوع بیماری و ناراحتی ما پناهندگان فقط یک دارو وجود دارد: «پاراستامول». خیلی از ما ناراحتی ها و دردهایی دارد که پیامد زندگی در اردوگاه پناهندگی است. وقتی ما نیاز به پزشک متخصص داریم، ابتدا پس از چندین بار تکرار تقاضا، (در صورت پذیرفته شدن) یک حواله برای مراجعه به پزشک متخصص دریافت می کنیم. بعضی از خواهران و برادران مادر وطن خود و یا در حین فرار از کشورهای مبدأ خود به بیماریهای سختی دچار شده اند و یا باید موقعیت های دردناکی را تجربه می کردند. اردوگاه پناهندگی مکان مناسبی برای درمان چنین بیماری های روحی و جسمی نیست.

ما به دفعات مکرر در باره ی موقعیت خودمان به مسئول اردوگاه و کارمندان اردوگاه اطلاع رسانی کردیم. مسئول اردوگاه آقای «کنراد برام» از هر گونه ملاقات و گفتگویی با ما سر باز می زند. بارها از او و کارمندان اردوگاه تقاضا نمودیم که مشکلات و درخواستهای ما را جدی بگیرند. هیچ اتفاقی نیفتاد. در نتیجه ما دست به اعتراض زدیم. نهایتاً آقای «برام» در اخبار محلی شبکه ی OS1-TV ادعا نمود که او کاملاً غافلگیر شده است و درخواستها و مشکلات ما را تا کنون نمی دانسته.

در تاریخ بیست و یکم سپتامبر 2011 تعدادی از ما که مدت زیادی است در اردوگاه زندگی می کنند امکان کار کردن را از دست دادند. ما تلاش کردیم که آقای برام را برای صحبت در مورد کار کم در آمد خود بر سر میز مذاکره بکشانیم اما به جای اینکه او با ما صحبت کند پلیس آمد. ما درکمال آزادی اعتراضات خود را ادامه خواهیم داد و همه باهم درخواستهایمان را به کرسی خواهیم نشاند. این درخواستها عبارتند از:

نقل مکان پناهندگان از هایم پناهندگی به شهر های بزرگ استان نیدرزاکسن در خانه های شخصی که در واقع برای استان بسیار ارزانتر بوده و به مانیز امکان زندگی شخصی و مستقل خود را خواهد داد.

برداشتن قانون «سکونت اجباری در محدوده ی مشخص» تا بدینوسیله ما احساس زندانی بودن را نکنیم.

اجازه ی کار برای کسانی که می توانند و می خواهند کار کنند.

«پناهندگان اردوگاه پناهندگی هسپه، برامشه»